

Reformation and Rehabilitation of Criminals in Islamic Criminal Policy: Foundations, Methods, and Aims

By: Aziz Bagheri¹

Ali Mohammadi Joorkouyeh²

(Received on: 2024-09-15; Accepted on: 2024-10-15)

Abstract

Reformation and rehabilitation, defined as the set of social improvement measures undertaken for the treatment and guidance of criminals back into society, have been among the important policies discussed by criminologists over the last one or two centuries. The commitment to the reform and treatment of offenders is considered one of the hallmarks of a desirable criminal policy. From the perspective of Islam, the treatment and rehabilitation of criminals is recognized as a value, and Islamic texts are replete with reformatory teachings and strategies. The main question of this research is: "What foundations, methods, and aims does Islamic criminal policy offer for the reformation and rehabilitation of criminals?" Utilizing a descriptive-analytical research method and examining Islamic texts, this article seeks to analyze the nature and dimensions of the rehabilitation and reformation of offenders within Islamic criminal policy. The findings of the research indicate that Islam, while employing compatible human experiences, holds a view that extends beyond mere social rehabilitation. By providing specific methods such as repentance therapy (*Tawbah-darmani*), forgiveness therapy (*Afw-darmani*), prayer therapy (*Namaz-darmani*), and other reformatory strategies, it pays special attention to the internal reform and moral training of offenders. This approach, in addition to reforming the criminal, paves the way for their return to society as a useful member. Therefore, Islamic criminal policy is significant and worthy of research in various dimensions from this perspective.

Keywords: Rehabilitation, Criminal Policy, Reformation, Treatment

1 . azizbaqiri9633@gmail.com Level Three Graduate of Qom Seminary, Qom, Iran (Ph.D. Student in Jurisprudence and Judicial Law) (Corresponding Author)

2 . amg6134325@yahoo.com Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Islamic Culture and Thought Research Institute, Qom, Iran

اصلاح و بازپروری مجرمان در سیاست جنایی اسلام: مبانی، روش‌ها و اهداف

عزیز باقری^۱

علی محمدی جورکویه^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴)

چکیده

اصلاح و بازپروری به معنای مجموعه اقدامات بهسازی اجتماعی که برای درمان و ارشاد مجرمین به اجتماع انجام می‌گیرد، از جمله سیاست‌های مهم مورد بحث جرم‌شناسان در یکی - دو قرن اخیر است و اهتمام به اصلاح و درمان مجرمان از جمله شاخصه‌های یک سیاست جنایی مطلوب به شمار می‌آید. از دیدگاه اسلام، درمان و بازپروری مجرمان یک ارزش شناخته می‌شود و متون اسلامی لبریز از آموزه‌ها و راهبردهای اصلاحی است. پرسش اصلی پژوهش این است که «سیاست جنایی اسلام چه مبانی، روش‌ها و اهدافی برای اصلاح و بازپروری مجرمان ارائه می‌دهد؟». این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و بررسی متون اسلامی، درصدد واکاوی ماهیت و ابعاد بازپروری و اصلاح مجرمان در سیاست جنایی اسلام است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اسلام ضمن استفاده از تجارب بشری غیرمغایر با موازین اسلامی، دیدگاهی فراتر از بازپروری اجتماعی دارد و با ارائه روش‌های خاصی همچون توبه‌درمانی، عفو‌درمانی، نمازدرمانی و سایر راهبردهای اصلاحی، به اصلاح درونی و تربیت اخلاقی مجرمان توجه ویژه‌ای دارد. این رویکرد افزون بر اصلاح مجرم، زمینه بازگشت او به جامعه در جایگاه عضوی مفید را فراهم می‌آورد. بنابراین سیاست جنایی اسلام از این حیث در ابعاد مختلف دارای اهمیت و شایسته پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: بازپروری، سیاست جنایی، اصلاح، درمان.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) azizbaqiri9633@gmail.com

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران amg6134325@yahoo.com

مقدمه

بزهکاری در جایگاه پدیده‌ای اجتماعی و کهن همواره از سوی اندیشمندان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر مجازات بزهکاران، همواره دیدگاه‌های متعددی حول کارکردهای کیفر مطرح شده است؛ این کارکردها را می‌توان در دو دسته اصلی تکلیف‌گرا (سزادهنده) و فایده‌گرا (پیشگیرانه) جای داد. در رویکرد تکلیف‌گرا (سزادهنده)، تمرکز بر عمل مجرمانه و گذشته فرد خاطی است و هدف اصلی، سرزنش و مجازات مجرم متناسب با جرم ارتكابی است. این رویکرد بر مبنای فلسفه عدالت کیفری استوار است که مجازات را حق جامعه در قبال نقض قوانین می‌داند. اما رویکرد فایده‌گرا (پیشگیرانه) با نگرشی به آینده مجرم و جامعه، بر پیشگیری از جرم توسط مجرمان بالقوه و تکرار جرم توسط مجرمان بالفعل تأکید می‌کند. هدف اصلی، اصلاح و بازپروری مجرمان و بازگرداندن آنها به جامعه در جایگاه عضوی مفید است. این رویکرد بر مبنای فلسفه فایده‌گرایی استوار است که باورمند است بهترین اقدام آن است که بیشترین سود را برای بیشترین تعداد افراد به ارمغان آورد (نوریان، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۲۱). یکی از کارکردهای فایده‌گرایانه کیفر که در قالب مفاهیمی همچون بازپروری، اصلاح و درمان، بازپذیری اجتماعی و بازسازگاری مجرم مطرح می‌شود، رفتار اصلاحی با بزهکاران است. اگرچه رونق این ایده در قرون اخیر بیشتر به مکتب تحقیقی به‌ویژه جنبش دفاع اجتماعی جدید نسبت داده می‌شود؛ اما ریشه‌های آن را می‌توان در اندیشه‌های فیلسوفان یونان باستان مانند افلاطون و ارسطو و نیز در گزارش‌هایی از جوامع باستان جستجو کرد. امروزه اهتمام به اصلاح و بازپروری مجرمان از مؤلفه‌های اصلی یک سیاست جنایی مطلوب و کارآمد محسوب می‌شود. این رویکرد نه تنها به نفع مجرمان، بلکه به نفع جامعه نیز خواهد بود. با اصلاح و بازپروری مجرمان، می‌توان از تکرار جرم و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن جلوگیری کرد (کولمن و کاوینگتن، ۱۳۷۶ ه.ش، ص ۲۷ - ۲۹).

مطالعه متون اسلامی نشان می‌دهد اسلام ضمن استفاده از تجارب و یافته‌های بشری در صورتی که مغایر با موازین و اصول اسلامی نباشد، نگاهی فراتر از صرف بازپروری اجتماعی

مجرمان به این موضوع دارد و روش‌های خاص خود را در این زمینه ارائه می‌کند. هدف از مجازات در اسلام، صرفاً تنبیه و سزادهی نیست، بلکه هدایت و رستگاری مجرم نیز مدنظر است؛ از این رو در نظام کیفری اسلام، مجازات‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ضمن ایجاد بازدارندگی، فرصتی برای اصلاح و بازگشت مجرم به مسیر درست را نیز فراهم کنند.

پژوهش‌های متعددی در زمینه اصلاح و بازپروری مجرمان انجام شده است که از جمله می‌توان به مقاله «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۸۳) و کتاب اصلاح مجرمان در سیاست جنایی اسلام (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۳ ه.ش) اشاره کرد. همچنین پایان‌نامه‌هایی مانند «بازپروری عادلانه مجرمان، مبانی و جایگاه آن در حقوق ایران» (شریف‌آبادی عزیزی، نیازپور و احمدی، ۱۳۹۴ ه.ش) و مقالاتی نظیر «بازپروری اسلامی و عادلانه مجرمان، الزامی غیرقابل انکار» (بهمنی فخر، ۱۳۹۹ ه.ش، ص ۱۳۳) به بررسی ابعاد مختلف بازپروری و اصلاح مجرمان پرداخته‌اند.

اما مقاله حاضر به دنبال بررسی و تحلیل سیاست جنایی اسلام در اصلاح و بازپروری مجرمان با تمرکز بر مبانی، روش‌ها و اهداف ارائه شده در متون اسلامی است. وجه تمایز این پژوهش با آثار پیشین در تأکید بر تحلیل نظام‌مند و جامع آموزه‌های اسلامی و استخراج روش‌های خاص اصلاحی همچون توبه‌درمانی، عفو‌درمانی، نماز‌درمانی و عبادت‌درمانی است که کمتر به تفصیل در پژوهش‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مقاله می‌کوشد با رویکردی توصیفی - تحلیلی و مطالعه منابع فقهی و حقوقی، تصویری دقیق‌تر از مدل سیاست جنایی اسلام در بازپروری مجرمان ارائه دهد و به تبیین نقاط قوت و ظرفیت‌های این مدل در مقایسه با سیاست‌های جنایی معاصر بپردازد.

۱. مفهوم بازپروری

یکی از کارکردهای مهم مجازات‌ها که در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی نیز بدان توجه شده است، «اصلاح و بازپروری مجرمان» است. این کارکرد در قالب اصطلاحات مختلفی مانند

«بازسازگاری مجرم»، «بازپذیری اجتماعی»، «اصلاح و درمان» و «بازپروری» مطرح شده است (آنسل، ۱۳۹۱ هـ.ش، ص ۸۸). دربارهٔ تعریف دقیق «بازپروری و اصلاح مجرمان» تعریف‌های اندک و محدودی ارائه شده است و تنها به ذکر مصداق‌ها و برنامه‌ها بسنده کرده‌اند. در لغت برخی بازپروری را اقداماتی می‌دانند که «فرد بزهکار، معتاد یا معلول بتواند خود را دوباره با زندگی اجتماعی منطبق سازد» و نیز بازپروری را «عمل تربیت و اصلاح بزهکار و آماده کردن آنان برای بازگشت به جامعه تعریف نموده‌اند» (انوری، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۷۵۷). اما در اصطلاح، بازپروری (Rehabilitation) به معنای مجموعه اقدامات بهسازی اجتماعی تعریف شده است که برای درمان و ارشاد مجرمین به اجتماع انجام می‌گیرد. دکتر برنار بولک در کتاب کیفرشناسی، با تأکید بر عبارت اصلاح کردن، هدف از اصلاح را «بهسازی مجرم» یا «دوباره تربیت کردن از طریق تنبیه» به گونه‌ای که فرد را به سمت پیروی از قواعد اولیه زندگی سوق دهد، عنوان می‌کند (بولک، ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۳۳). بر اساس تعریف دیگر بازپروری عبارت است از: «عدم تکرار جرم یا اقدام به گونه‌ای که فرد پس از آن بتواند سازگار با قانون و هنجارهای اجتماعی زندگی کند» (<http://www.asrsq.ca/fr/reinsertion/index.phd>). بازپروری در این معنا استفاده از اقدامات و تدابیر است که بزهکار را به وضعیتی رفتار اجتماعی مناسب و بهتر بازگرداند؛ وضعیتی که فرد پیش از ابتلا به عمل مجرمانه بدان قرار داشته است. البته اگر بازگرداندن فرد به جامعه نیازمند تدابیر درمانی پزشکی و روانپزشکی باشد، از اصطلاح اصلاح و درمان (Treatment) و اگر فرد قبل از ابتلا به بزهکاری از توانایی‌های لازم برای یک زندگی اجتماعی سالم برخوردار نبوده باشد، او در معرض برنامه دیگری به نام پرورش (Habilitation) قرار می‌گیرد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۸۵). اما در اسلام، از روش‌های مختلفی مانند «توبه» برای اصلاح و بازپروری مجرمان استفاده می‌شود. هدف از مجازات‌ها در اسلام نیز «تزکیه و تهذیب» مجرم و کمک به او برای بازگشت به مسیر درست بیان شده است. در اسلام، اصلاح و بازپروری به معنایی وسیع‌تر از صرف بازسازگاری اجتماعی و تغییر رفتارهای بیرونی، شامل تحول درونی و پالایش روح و روان مجرم نیز می‌شود. بنابراین بازپروری و اصلاح مجرمان موضوعی مهم و پیچیده است که نیاز به رویکردی جامع

و چندجانبه دارد. در این متن به بررسی این مفهوم از دیدگاه‌های مختلف با تأکید بر آموزه‌های اسلامی پرداخته می‌شود. تنوع تعاریف و برنامه‌های اصلاحی نشان‌دهنده پیچیدگی این موضوع و ضرورت مطالعه و بررسی بیشتر در این زمینه است.

۲. مفهوم سیاست جنایی

سیاست جنایی به مجموعه‌ای از تدابیر، اقدامات و راهبردهایی اطلاق می‌شود که از سوی دولت یا جامعه با هدف پیشگیری از جرم، مقابله با جرم و مجازات مجرمان اتخاذ می‌گردد. این سیاست در جایگاه یک نظام چندبعدی شامل قوانین، مقررات، روش‌های اجرایی و تدابیر عملی است که در راستای کنترل جرایم و حمایت از حقوق قربانیان طراحی شده است (باقری و مصباح، ۱۴۰۳ ه.ش، ص ۱۰۱).

دورویکرد اصلی (موسع و مضیق) در تحلیل سیاست جنایی وجود دارد. سیاست جنایی در تعریف موسع نه تنها به اقدامات رسمی دولتی محدود نمی‌شود، بلکه شامل تدابیر اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی نیز می‌گردد که مستقیم یا غیرمستقیم بر کاهش جرایم تأثیرگذار هستند (عادل و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۱۳). این رویکرد با تأکید بر پیشگیری جامع، تمامی ابعاد اجتماعی و فردی مرتبط با جرم‌زایی را مدنظر قرار می‌دهد. در مقابل، تعریف مضیق سیاست جنایی به اقدامات رسمی و قانونی دولت مانند قوانین کیفری، دستگاه قضایی، پلیس و نظام زندانبانی محدود می‌شود و بیشتر به جنبه‌های حقوقی و اجرایی کنترل جرم توجه دارد (قیاسی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۴۰ - ۴۱). این دورویکرد در کنار هم، تصویری کامل از سیاست جنایی به عنوان ابزاری برای مدیریت و کاهش جرایم ارائه می‌دهند.

۳. مبانی اصلاح و بازپروری

اصلاح و بازپروری در اسلام یکی از موضوعات کلیدی در سیاست جنایی اسلامی است که بر پایه اصول اخلاقی، تربیتی و اجتماعی بنا شده است. این مبانی به دنبال ایجاد تغییر در

رفتار مجرمان و بازگرداندن آنها به جامعه به عنوان شهروندان مفید و مسئول هستند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین مبانی اصلاح و بازپروری در اسلام اشاره می‌کنیم:

الف) توبه در جایگاه یکی از مبانی اصلاح و بازپروری در اسلام، راهی برای بازگشت به مسیر صحیح و جبران خطاهاست. قرآن کریم تأکید می‌کند که خداوند همه گناهان را می‌بخشد و بندگان را به توبه دعوت می‌کند: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا: بگوای بندگان من که بر خود ستم کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید. به یقین خدا همه گناهان را می‌آمرزد» (زمر ۳۹: ۵۳). در حدیثی از امام باقر (ع) نیز آمده است: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له: کسی که از گناه توبه کند، مانند کسی است که هیچ گناهی مرتکب نشده است» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۴، ص ۲۳۲).

ب) آموزش و تربیت اخلاقی در اصلاح مجرمان جایگاه مهمی دارد. قرآن کریم ترکیه نفس را عامل رستگاری معرفی می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا: هر کسی نفس خود را پاکیزه کرد، به یقین رستگار شد و هر که آن را آلوده کرد، قطعاً زیان دید» (شمس ۹۱: ۹-۱۰). در نهج البلاغه نیز امام علی (ع) بر ضرورت تربیت اخلاقی تأکید می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ: دل نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن کاشته شود، می‌پذیرد» (نامه ۳۱). تربیت اخلاقی ابزار مهمی برای اصلاح نگرش و رفتار مجرمان است.

ج) عدالت ترمیمی و جبران خسارت‌های قربانیان از دیگر مبانی اصلاح و بازپروری در اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ: کیفر هر بدی، بدی ای همانند آن است؛ پس هر که عفو کند و اصلاح نماید، پاداش او با خداوند است» (شوری ۴۲: ۴۰). پیامبر اکرم (ص) نیز اصلاح میان مردم را برترین صدقه دانسته است: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ: برترین صدقه، اصلاح میان مردم است» (پاینده، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۲۳۱، ح ۴۰۷). این اصل به دنبال ایجاد صلح اجتماعی و بازسازی روابط میان قربانی و مجرم است.

د) کرامت انسانی حتی در مورد مجرمان در اسلام حفظ می‌شود. قرآن کریم تأکید می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ: به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم» (اسراء ۷۰: ۱۷). امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «الناس صنفان: إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق: مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش همانند تو» (نامه ۵۳). برخورد انسانی با مجرمان و حفظ شأن و کرامت آنها زمینه اصلاح و بازپروری را فراهم می‌آورد. بنابراین یکی از دلایل مهم توجه به سیاست اصلاح و درمان، توجه به رویکرد حقوق بشری است. این سیاست را می‌توان یک سیاست انسانی و مبتنی بر اصول حقوق بشر توصیف کرد؛ چراکه بر اساس مبانی حقوق بشری، دولت‌ها ضمن برخورداری از حق اعمال مجازات، موظف به رعایت کرامت انسانی افراد هستند. در اسناد حقوق بشری به‌ویژه در ارتباط با مجرمان تأکید شده است که نظام زندان‌ها به‌طور خاص و نظام کیفری به‌طور کلی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که اصلاح و بازگشت مجرمان به جامعه را تسهیل کند؛ برای نمونه ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶ میلادی) به‌طور اصولی به چگونگی رفتار با افرادی که به دلایل کیفری آزادی آنها سلب شده است، می‌پردازد و بر تفکیک متهمان از محکومان، رفتار انسانی متناسب با وضعیت آنها و همچنین تأمین شرایط اصلاح و بازپروری محکومان به‌ویژه اطفال بزهکار تأکید کرده است.

ه) عفو و گذشت از اصول برجسته‌ای است که اسلام برای اصلاح و بازسازی روابط اجتماعی توصیه می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ: پس باید عفو کنند و چشم‌پوشی نمایند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببامرزد؟» (نور ۲۴: ۲۲). همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ عَفَا عَنْ مَظْلَمَةٍ أَبَدَلَهُ اللَّهُ بِهَا عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: هر کسی از ستمی که در حق او شده گذشت کند، خداوند به جای آن، در دنیا و آخرت به او عزت بخشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۶۸، ص ۴۲۰). این اصل می‌تواند نقش مهمی در اصلاح مجرمان و بازسازی روابط میان افراد داشته باشد.

و) پیشگیری از جرم و اصلاح اجتماعی از طریق رفع مشکلات اجتماعی و تقویت عدالت از دیگر مبانی اصلاح در اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ: خداوند به عدالت و نیکوکاری و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا، کار زشت و ستم نهی می‌کند» (سوره نحل: ۹۰). این مبانی نشان‌دهنده اهمیت اصلاح ساختارهای اجتماعی برای پیشگیری از جرم هستند.

این اصول با تأکید بر آیات و روایات، نشان‌دهنده نگاه جامع اسلام به اصلاح و بازپروری مجرمان در کنار حفظ حقوق قربانیان و جامعه است.

۴. سیاست جنایی اصلاح و بازپروری در اسلام

اندیشه‌های مربوط به اصلاح مجرمان قدمتی دیرینه دارد و در دیدگاه‌های فیلسوفان یونان و گزارش‌های جوامع باستان نیز می‌توان ردپای آن را یافت (کولمن و کاوینگتن، ۱۳۷۶ ه.ش، ص ۲۷-۲۹). در دو قرن اخیر، اصلاح و بازپروری به یکی از مباحث اصلی جرم‌شناسی تبدیل شده است و مکتب تحقیقی به‌ویژه جنبش دفاع اجتماعی نوین، نقش مهمی در ترویج این ایده داشته است. در مقابل موافقان، مخالفانی نیز برای این ایده وجود دارند که با انجام تحقیقات، ناکارآمدی برنامه‌های اصلاحی را به اثبات رسانده‌اند. افرادی مانند رابرت مارتینسون و مویس کوسن با شعار «هیچ چیز مؤثر نیست» مدعی شکست این برنامه‌ها شده‌اند.

در واکنش به نظرات مخالفان، مفسران اولیه نظریه «خطر و ریسک جرم» مانند سیمون و فیلی در حوزه حقوق کیفری، خواهان جایگزینی سیاست‌های جدیدی به جای برنامه‌های اصلاحی شده‌اند. این سیاست جدید که «کیفرشناسی نو، جرم‌شناسی نو یا عدالت سنجشی و مدیریت ریسک جرم» نامیده می‌شود، بر مجازات متناسب با خطر جرمی که فرد مرتکب آن می‌شود تأکید دارد. چالش اساسی این نظریه، تعیین ملاک دقیق برای تشخیص و برآورد میزان خطر جرم است. دستاوردهای فعلی علوم جرم‌شناسی و روان‌شناسی، امکان تشخیص دقیق و قابل اعتماد

این امر را کامل فراهم نمی‌کند. از طرفی برچسب زنی افراد به عنوان «مجرم خطرناک» می‌تواند پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد؛ از جمله سوق دادن این افراد به سمت فعالیت‌های مجرمانه. به دلیل چالش‌های یادشده، برخی از طرفداران نظریه «خطر و ریسک جرم» به رویکرد سنتی سرکوب جرم و مجازات بزهکاران در قالب «نظریه مجازات‌های استحقاقی» بازگشتند. آنها معتقدند کنار گذاشتن سیاست‌های اصلاحی و بازپروری، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (مارتینسن، ۱۹۷۴م، ص ۸۰ - ۸۶؛ فوگل، ۱۹۷۵م، ص ۸۶ - ۸۷).

بنابراین اصلاح و بازپروری مجرمان، موضوعی پیچیده و چالش‌برانگیز است که در تاریخ همواره مورد بحث و مناقشه بوده است؛ درحالی‌که برخی بر اثربخشی این برنامه‌ها تأکید دارند، برخی دیگر آنها را ناکارآمد و بی‌فایده می‌دانند. نظریه «خطر و ریسک جرم» نیز که جایگزینی برای برنامه‌های اصلاحی مطرح شده است، به دلیل چالش‌های ذاتی در تعیین و برآورد خطر جرم، با انتقادهای جدی مواجه است. به نظر می‌رسد یافتن راه‌حلی کارآمد برای این معضل، نیازمند بررسی و مطالعات بیشتر و همچنین رویکردی جامع و چندجانبه است.

۴-۱. اصلاح و بازپروری غیرکیفری در متون اسلامی

امروزه برنامه‌های اصلاحی و پیشگیری از تکرار جرم صرفاً در بستر کیفری انجام نمی‌شوند؛ درواقع با تمرکز بر بازاجتماعی‌کردن بزهکاران، اهمیت اقدامات پس از دستگیری، مجازات‌های جایگزین، برنامه‌های درمانی و ترمیمی و نیز اقدامات پساکیفری که تسهیل‌کننده بازگشت بزهکار به جامعه و مانع تکرار جرم هستند، دوچندان می‌شود. برنامه‌های اصلاحی را که ناظر به عوامل خطر تکرار جرم و نیز رفع نیازهای احتمالی زندانی هنگام خروج از زندان هستند، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف) برنامه‌های قابل اجرا در محیط کیفری؛ ب) برنامه‌های قابل اجرا در بستر اجتماع؛ ج) برنامه‌های قابل اجرا در مرحله بعد از کیفر (ابراهیمی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۱۵۷).

استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس مانند کار عام‌المنفعه و تعلیق تعقیب و همچنین روش‌های غیرکیفری اصلاح مجرمان که از سوی نهادهای غیرقضایی در قالب اقدامات درمانی، اعم از دارودرمانی، جراحی، روان‌درمانی، مشاوره، درمان‌گری اجتماعی و ... به‌ویژه برای مجرمانی که از جایگاه اجتماعی بالاتر یا خطرناکی کمتری برخوردارند، ضرورت دارد. استفاده از روش‌های یادشده ممکن است با ارشاد و راهنمایی مأموران انتظامی، جمعیت‌ها و انجمن‌های خیریه و مددکار اجتماعی و فعالیت وزارتخانه‌های دولتی باشد که در این صورت ماهیت مدنی و اجتماعی به روش‌های مذکور می‌بخشد و ممکن است با حکم دادگاه باشد که در این صورت مصداقی از اقدامات تأمینی و تربیتی و درمانی خواهد بود (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۸۷ - ۸۸).

راهنمادهای اصلاحی یادشده که عمدتاً منافاتی با موازین و اصول اسلامی ندارند، در سیاست جنایی اسلام نیز پذیرفته شده‌اند. با این حال، این امر به معنای انحصار برنامه‌های اصلاحی در آموزه‌های اسلامی نیست، بلکه توجه به این روش‌ها و راهنمدها نمی‌تواند ما را از راهنمدهای خاصی که در متون اسلامی برای بازپروری مجرمان ارائه شده و عمیقاً متأثر از فرهنگ اسلامی است، بی‌نیاز کند. مطالعه متون اسلامی نشان‌دهنده توجه ویژه اسلام به اصلاح و بازپروری مجرمان و ارائه روش‌های خاص برای این امر است. در متون اسلامی روش‌های مختلفی مانند توبه‌درمانی، احسان‌درمانی، عفو‌درمانی، نمازدرمانی، عبادت‌درمانی و شفاعت‌درمانی ارائه شده است که می‌توانند در تدوین نظام مطلوب اسلام برای مواجهه با جرم مورد توجه قرار گیرند. متأسفانه در قوانین کیفری به جز از راهکار «توبه»، کمترین استفاده از راهنمدهای اصلاحی - تربیتی تصریح شده در متون اسلامی شده است. فقه جزایی بیشتر جنایی و کمتر با نگاه پیشگیرانه و اصلاحی مورد تحلیل قرار گرفته است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۹۳). بنابراین به نظر می‌رسد نگاه نظام‌مند و همه‌جانبه به آموزه‌های اسلامی در تدوین سیاست جنایی ضرورت وافر دارد. در ادامه نمونه‌هایی از روش‌های اصلاحی در اسلام را بیان می‌کنیم:

الف) نماز: نماز در اسلام روشی برای بازداشتن از فحشا و منکرات و اصلاح مجرمان دانسته می‌شود. اطلاق آیه «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر» (عنکبوت ۲۹: ۴۸) بازدارندگی قبل و بعد از ارتکاب جرم را دربر می‌گیرد. در متون فقهی نمونه‌هایی بیان شده است که نشان‌دهنده استفاده پیامبر (ص) از این روش در اصلاح مجرمان دارد. صاحب مجمع البیان حدیثی از جابر این‌گونه نقل می‌کند: «به پیامبر (ص) گفته شد فلانی روزها نماز می‌خواند و شب‌ها سرقت می‌کند. حضرت فرمود نمازش او را از کار زشتش باز می‌دارد» (طبرسی، ۱۴۰۸ هـ، ص ۲۸۵) همچنین پیامبر اکرم (ص) «نماز را به چشمه آب پاکی تشبیه می‌کند که انسان روزانه خود را در آن شستشو می‌دهد و از گناهان و جرایم پاک می‌کند» (شیروانی، ۱۳۸۴ هـ. ش، خطبه ۱۹۹). ترغیب مجرمان به این عمل عبادی و مداومت بر نماز، یک روش اصلاحی به شمار می‌آید (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۶ هـ. ش، ص ۸۸).

ب) شفاعت: به معنای پایمردی و واسطه‌گری نزد حاکم اسلامی به نفع مجرم، به منظور عفو و بخشش خطا و جرم یا تخفیف در مجازات اوست (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ص ۱۵۱). این مفهوم بر اساس متون دینی نه تنها جنبه‌ای معنوی دارد، بلکه می‌تواند ابزاری مؤثر در سیاست جنایی اسلام برای اصلاح و بازپروری مجرمان به کار گرفته شود. شفاعت صلحا و بزرگان جامعه در مراقبت و نظارت بر رفتارهای مجرم و ترغیب او به اصلاح از جمله روش‌های اصلاحی در اسلام است (حسینی، ۱۳۸۳ هـ. ش، ص ۲۴۵). شفاعت دنیوی زمانی مؤثر خواهد بود که واسطه‌گر یا شافع، فردی صالح و دارای جایگاه اجتماعی معتبر باشد که توانایی تأثیرگذاری مثبت بر نگرش و رفتار مجرم را داشته باشد. این واسطه‌گری می‌تواند از طریق نظارت، ارشاد، حمایت و همراهی با مجرم انجام گیرد و او را به اصلاح رفتار و بازگشت به جامعه تشویق کند. با این حال برای جلوگیری از تبدیل شفاعت به ابزاری فسادزا، رعایت اصولی همچون انتخاب شافع مناسب، شفافیت در فرایند شفاعت، تعیین شرایط مشخص برای شفاعت و نظارت مستمر بر رفتار مجرم ضرورت دارد. شافع باید فردی متعهد و معتبر باشد که در

جایگاه هدایتگر عمل کند و از هرگونه سوءاستفاده از جایگاه خود پرهیزد. فرایند شفاعت باید در چارچوبی مشخص و تحت نظارت نهادهای قانونی و اجتماعی انجام شود تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. همچنین شفاعت باید با شروطی نظیر تعهد مجرم به اصلاح رفتار، شرکت در برنامه‌های بازپروری یا انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه همراه باشد. درنهایت، نظارت مستمر بر رفتار مجرم پس از شفاعت، ضروری است تا از بازگشت او به مسیر جرم جلوگیری شود و اصلاح به شکلی پایدار تحقق یابد (مقدم، حسینی و محمدی، ۱۴۰۳ ه.ش، ص ۵۲۷).

ج) اصول اعتقادی و اعمال عبادی: در اسلام افزون بر مجازات و کنترل بیرونی، بر کنترل درونی نیز تأکید شده‌است؛ زیرا افزون بر مسائل پیش‌گفته، معرفت و ایمان به اصول اعتقادی توحید، نبوت، معاد (ثواب و عقاب اخروی بعد از محاکمه عادلانه)، امامت و عدل (که به خودی خود انگیزه برای هنجارمندی مؤمنان فراهم می‌کند) و همچنین اعمال عبادی مانند روزه‌داری که در واقع تمرین عملی و عبودیت و طاعت‌اند، نقش بازدارندگی از ارتکاب منهیات را ایفا و تقوا و خویش‌داری از انجام ممنوعات را ایجاد و تقویت می‌کند (محمدی، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۸۱ - ۸۳).

بنابراین درحالی‌که مجازات و کنترل بیرونی مجرمان در نظام عدالت کیفری از اهمیت بالایی برخوردار است، توجه به برنامه‌های اصلاحی و روش‌های تربیتی برای بازپروری و پیشگیری از تکرار جرم نیز ضروری است. آموزه‌های اسلامی حاوی راهبردهای ارزشمندی در این باره هستند که می‌توانند در تدوین سیاست‌های جنایی مؤثر استفاده شوند.

۴-۲. اصلاح و بازپروری در پاسخ‌های کیفری اسلام

برخی باورمندند مجازات‌ها به هیچ‌وجه نمی‌تواند سبب اصلاح و بازپروری بزهکاران شود و عمده اهداف مجازات‌ها، بازدارندگی از جرم، تأمین نظم و امنیت اجتماعی، تشفی خاطر

بزه‌دیده و سزاده‌ندگی است (بهمنی‌فخر، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۱۳۸). اما در مقابل، برخی به شدت از برنامه اصلاح و بازپروری دفاع کرده‌اند و معتقدند مجازات از طریق کارکرد تعلیمی و تهدیدی خود، در مرحله اجرا یا دست‌کم وضع مجازات‌ها می‌تواند تأثیری در اصلاح افراد داشته باشد؛ حتی تحقیقات و تئوری‌هایی دربارهٔ چگونگی اصلاح و بازپروری مجرمان ارائه داده‌اند و با عنوان مؤید دیدگاه خود ذکر می‌کنند (کلارکسون، ۱۳۷۱ هـ.ش، ص ۳۹).

از دیدگاه اسلام نیز بیشتر نویسندگان معتقدند هدف از مجازات‌های اسلام، اصلاح مجرمان است (گرچی، ۱۳۶۵ هـ.ش، ص ۶۵)؛ ولی برای دستیابی به مدل سیاست جنایی اسلام، لازم است مجازات‌ها و شیوه کنترل رفتارها بررسی شوند. بنابراین در این قسمت به بررسی این مهم می‌پردازیم.

۴-۲-۱. جرایم علیه دین (حدود)

شارع مقدس در رابطه با اهداف و فلسفه مجازات‌های حدی، عمدتاً در جرایم اخلاقی مانند زنا و لواط با توجه به تعمد شارع در دشوار بودن اثبات این جرایم که هدف شارع حدالامکان عدم اثبات آنهاست، بیشتر به مسئله اصلاح و تهذیب مجرم توجه داشته است (داودی، گرمارودی، ۱۳۸۴ هـ.ش، ص ۸۳). در مجازات‌های حدی به استثنای قذف و محاربه، اگر متهم قبل از اثبات جرم توبه کند، حد از او ساقط می‌شود. همچنین اگر جرایم فوق با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب، حاکم شرع (ولی فقیه) می‌تواند عفو کند. درباره محاربه، توبه زمانی موجب سقوط حد می‌شود که قبل از دستگیری یا تسلط بر مرتکب انجام گرفته باشد (موسوی الخمینی، ۱۳۷۹ هـ.ش، ج ۲، ص ۴۳۹ - ۴۶۸). بنابراین آنچه به نظر صحیح‌تر می‌رسد، این است که هدف در حدود به جز حد قذف قبل اثبات جرم، اصلاح و تهذیب مجرم است؛ اما بعد از اثبات جرایم حدی، بازپذیری مجرم مقهور حتمیت مجازات‌ها در نظام کیفری قرار می‌گیرد و هدف از مجازات حدی، سزادهی و اعمال

مجازات‌های استحقاقی است. البته در مواردی هم به سایر اهداف توجه شده است؛ برای مثال مصلوب کردن محارب و اینکه سه روز او را بر صلیب ببندند، توجه شارع به آشکارسازی و اثر ارعابی این مجازات را نشان می‌دهد. همچنین در مورد حد سرقت افزون بر سزادهی به مسئله جبران زیان وارده به زیان دیده توجه شده است. در حمایت از اموال مجازات‌های ارعابی وجود دارد و در مورد تکرارکننده سرقت، هدف بازدارندگی و سلب توان بزهکار به‌ویژه در سرقت مرتبه سوم و چهارم که دارای مجازات حبس ابد و اعدام است (نجفی، ۱۳۶۲ ه.ش، ج ۴۱، ص ۵۵۵)، به خوبی مشاهده شدنی است. اما اگر سارق پیش از شکایت شاکی به برگرداندن اموال اقدام کند یا رضایت مالباخته را فراهم آورد، مجازات حد سرقت ساقط می‌شود. بنابراین در این حوزه ضمن پذیرش تئوری‌های سزادهی و بازدارندگی، شیوه عدالت ترمیمی مورد توجه قرار گرفته است؛ ولی به لحاظ تأثیر سرقت در به هم خوردن نظم و امنیت عمومی، میدان اجرای عدالت ترمیمی محدود شده است؛ یعنی اگر سارق قبل از شکایت مالباخته و تعقیب قضایی اقدام به جلب رضایت شاکی نکرد، باگذشت مالباخته امکان سقوط مجازات حد وجود ندارد (اکرمی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۳۷).

۴-۲-۲. جرایم علیه نفس

در جرایم علیه نفس، نقش اصلی در فرایند تعقیب کیفری و تعیین و اجرای مجازات بر عهده بزه دیده یا قائم مقام اوست. مدعی خصوصی دعوی قتل را شروع می‌کند و بار اثبات دعوا نیز بر عهده اوست (محقق حلی، [بی تا]، ص ۹۹۱). در مجازات‌هایی مانند قصاص و رجم که به حیات فرد خاتمه می‌دهند، اصلاح و بازپروری با اجرای مجازات منتفی است و خلاصی فرد از عذاب اخروی و پاک شدن روح و روان فرد نیز منوط به توبه اوست که بر فرض تحقق به توبه برمی‌گردد. اما در اینجا دو نکته دارای اهمیت است؛ اول: وضع این گونه مجازات‌ها می‌تواند کسانی که استعداد مجرمانه دارند را از ارتکاب جرم منصرف کند. امام

حسن عسکری (ع) در تبیین عامل حیات بودن قصاص می‌فرماید کسی که اهتمام به قتل دیگری می‌نماید، اگر بداند که قصاص واجب است و قصاص خواهد شد، از ترس قصاص جسارت بر قتل نمی‌یابد و از کشتن منصرف می‌شود و این عامل حیات جانی (احتمالی) و قربانی (احتمالی) و همه انسان‌هاست (عاشور، ۱۴۲۱ هـ، ص ۴۷۰). دوم: هدف اصلی شریعت اسلام در جرایم علیه نفس، جبران ضرر و زیان وارده بر بزه‌دیده یا قائم مقام اوست. در این قبیل جرایم، عفو و گذشت بزه‌دیده نقش مهمی در سرنوشت بزه‌کار و مجازات او دارد. پس از اثبات جرم اگر شرایط قصاص وجود داشته باشد، قاضی فقط می‌تواند با تقاضای بزه‌دیده حکم به قصاص دهد و چنانچه نظر بزه‌دیده بر قصاص نباشد، با توجه به موارد قصاص می‌تواند به دیه یا ارش تراضی کند یا بزه‌کار را عفو نماید (موسوی خمینی، ۱۳۷۹ هـ.ش، ص ۵۵۸). جرایم علیه اشخاص بزه‌دیده مدار است و ابتکار پاسخ‌ها اعم از کیفر و ترمیم در دست بزه‌دیده است و دولت نقش نمادین و حمایتی از بزه‌دیده را بر عهده دارد. بنابراین در این حوزه زمینه مشارکت فعال شهروندان در تحقق عدالت ترمیمی فراهم است. آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْقَرْبُ بِالْحَرْ وَالْحَرْ بِالْعَبْدِ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قصاص بر شما درباره کشته‌مقرر شده است؛ آزاد در مقابل آزاد، بنده در مقابل بنده، زن در مقابل زن و هر کسی نسبت به برادر دینی‌اش گذشت کند، از معروف تبعیت کرده و به برادر خود نیکی نموده است و این حکم تخفیفی از ناحیه پروردگارتان و رحمتی بر شماست؛ از این رو پس از این اگر کسی تعدی کند، به عذاب دردناک دچار می‌گردد» (بقره ۲: ۱۷۸) بر همین مبناست. عبارت «فمن عفی له من اخیه» تأویلی از بدیل پذیر بودن متغیر کیفری به ترمیمی و جبرانی و حق مشارکت تام شهروندان است؛ همچنین عبارت «تخفیف» در آخر آیه بیان تلویحی از سوق عدالت کیفری انعطاف‌ناپذیر به عدالت

ترمیمی است. بدین ترتیب در سیاست جنایی مشارکتی اسلامی، بدون سیاست ارعابی و سزادهی صرف، بلکه در ملاحظه‌ای چندجانبه به بازپذیری بزهکار و حمایت از بزه‌دیده بر رعایت مصالح اجتماعی تأکید می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۵۵). بنابراین عدالت ترمیمی بر سایر سیاست‌ها در حوزه جرایم علیه اشخاص غلبه دارد؛ بدین دلیل احکام و قواعد عام در حوزه مجازات‌های دیگر از قبیل قواعد مربوط به تخفیف و تشدید قضایی مجازات، احکام مرور زمان، احکام تعدد و تکرار جرم، تأثیر توبه در سقوط مجازات، در جرایم مستوجب قصاص و دیات اجراشدنی نیست؛ زیرا اجرای بسیاری از این قواعد در این جرایم منجر به تضییع حقوق بزه‌دیده می‌شود (رهامی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۵۷ - ۱۷۴).

۴-۲-۳. جرایم تعزیری

از جمله اهداف مجازات‌های تعزیری، اصلاح و بازپروری مجرمان است؛ بر همین اساس در ایدئولوژی بازپذیری، دفاع از آزادی‌ها و انطباق دادن اقدام پیشگیرانه با وضعیت مرتکب عمل مجرمانه یا منحرفانه محور واکنش است؛ به همین دلیل مجازات تعزیری، مستلزم فردی کردن مجازات است. بنابراین چون افراد از لحاظ شرایط بازپذیری متفاوت هستند، تعزیرات نیز به دلیل اینکه به دنبال پیشگیری از جرم و بازپذیری مرتکبان و منحرفان است، با توجه به اختلاف شرایط و موقعیت‌های افراد متفاوت است (شاکی گلپایگانی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۳۰۶ - ۳۱۴). بیشتر نویسندگان اسلامی معتقدند هدف از مجازات‌های اسلام به ویژه مجازات‌های تعزیری، اصلاح بزهکار است و اگر در جایی اعمال مجازات تعزیری منجر به اصلاح مجرم نشود، نباید آن را اجرا کرد (مرعشی شوشتری، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۱۰). عده‌ای کیفرهای اسلامی را نمودی از رحمت خداوند می‌دانند و با ارائه ویژگی تهذیب و تطهیر آنها را سبب استقامت روح و روان و تزکیه نفس مجرمان و مایه اصلاح فرد و جامعه می‌دانند (گرچی، ۱۳۶۵ ه.ش، ص ۶۵؛ فتحی بهنسی، ۱۹۸۳ م، ص ۸).

البته دیدگاه مخالف نیز در این باره وجود دارد که مبنای استوار و محکمی ندارد. برخی معتقدند مجازات‌ها نمی‌تواند سبب اصلاح بزه‌کاران شود (بهمنی فخر، ۱۳۹۹ هـ. ش، ص ۱۳۸) و بیشترین اهداف مجازات‌ها، تأمین نظم و امنیت اجتماعی، بازدارندگی از جرم، تشفی خاطر بزه‌دیده و سزادهندگی است. بر همین اساس برخی از محققان غلبهٔ بازپروری در تعزیرات را محل تردید می‌دانند و دیدگاه غالب در مورد بازپروری با عنوان هدف اصلی مجازات تعزیری را ناشی از این احتمال می‌دانند که شاید نامعین بودن تعزیرات در شرع و واگذار شدن آن به «مایراه الحاکم» سبب این تصور شده است. به باور ایشان باید دید منظور از «حاکم»، قاضی صادرکننده حکم مجازات است یا «حاکم جامعه اسلامی» و در حالت اخیر، حاکم جامعه با توجه به نیازهای جامعه و مقتضیات آن و بسته به سیاست و هدفی که از اعمال مجازات دنبال می‌کند، نوع و میزان مجازات جرایمی را که در محدودهٔ تعزیرات قرار می‌گیرد، کیفرهای قانونی لازم را مقرر می‌نماید. اما اگر حاکم را به «قاضی» صادرکننده حکم تعبیر کنیم، باز هم معلوم نیست مقصود از «مایراه الحاکم» این بوده که قاضی نتواند سزادهی را بر بازپروری ترجیح دهد؛ بنابراین معلوم نیست هدف اصلی تعزیرات لزوماً و قطعاً بازپروری باشد (داودی گرمارودی، ۱۳۸۴ هـ. ش، ص ۸۲).

به هر حال این نظریه خدشه‌پذیر است و در پاسخ می‌توان گفت اگر هدف عمده و اصلی از مجازات تعزیری و مراد از عبارت «مایراه الحاکم» اصلاح و بازپروری نباشد، یک هدف جنبی و فرعی و البته مهم مجازات تعزیری اصلاح و بازپذیری بزه‌کار خواهد بود و نادیده یا کم‌اهمیت‌پنداشتن این مطلب می‌تواند مجریان عدالت کیفری را به سمت ابعاد تنبیهی و حتی انتقام‌جویانه بکشاند؛ زیرا از استدلال دیدگاه دوم نهایت چیزی که می‌توان استفاده کرد این است که «حاکم جامعه اسلامی» یا «قاضی» صادرکننده حکم می‌تواند افزون بر هدف اصلاح و بازپروری، اهداف و سیاست دیگری چون سزادهندگی، تشفی خاطر بزه‌دیده، بازدارندگی از جرم و تأمین نظم و امنیت اجتماعی را نیز دنبال کند و به هیچ‌وجه نمی‌توان ادعا کرد که اصلاح و بازپذیری نمی‌تواند هدف مجازات تعزیری باشد.

نتیجه

مدل سیاست جنایی اسلام، مرکب و مکمل از پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری در یک سیاست جنایی مشارکتی است که راهکارهای اتخاذ شده در آن برای پاسخ‌دهی به بزهکاری، مجموعه‌ای واحد از اهداف متعدد چون سزادهی، ترمیمی، اصلاح و بازپروری را با تفکیک جرایم بر مبنای مصلحت مورد هجمه از قبیل دین، نفس، عرض، عقل، مال و امنیت دنبال می‌کند. در متون اسلامی - اعم از قرآن و روایات - روش‌ها و راهبردهای فراوانی در ابواب غیرکیفری فقه مانند توبه‌درمانی، احسان‌درمانی، عفو‌درمانی، نماز‌درمانی، عبادت‌درمانی و شفاعت‌درمانی ارائه شده است که به نظر می‌رسد نگاه نظام‌مند و همه‌جانبه به آموزه‌های اسلامی در تدوین سیاست جنایی ضرورت وافر دارد. مدل سیاست جنایی اسلام در پاسخ‌های کیفری در جرایم مختلف متفاوت و تابع مصلحتی است که مورد هجمه واقع شده است.

در جرایم علیه دین (حدود) هرچند بعد از اثبات جرم، بازپروری مجرم مقهور حتمیت مجازات‌ها در نظام کیفری قرار گرفته است و هدف از مجازات حدی، سزادهی و اعمال مجازات استحقاقی است؛ اما قبل از اثبات جرم با توجه به سقوط مجازات بر اثر توبه و همچنین تعمد شارع در دشوار کردن اثبات جرایم اخلاقی مانند زنا و لواط، شارع بیشتر به مسئله اصلاح و تهذیب مجرم توجه داشته است.

در جرایم علیه نفس و مجازات‌هایی که به حیات فرد خاتمه می‌دهد، فرض اصلاح و بازپروری با اجرای مجازات منتفی است؛ با این وجود از آنجاکه هدف اصلی شریعت اسلام در جرایم علیه نفس، جبران ضرر و زیان بزه‌دیده یا قائم مقام اوست و نیز عفو و گذشت بزه‌دیده نقش مهمی در سرنوشت بزه‌کار و مجازات او دارد، عدالت ترمیمی بر سایر سیاست‌ها در حوزه جرایم علیه اشخاص غلبه دارد.

در محدوده تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده اولاً منعی برای استفاده از یافته‌های تجربی بشری که مغایر با موازین اسلامی نباشد وجود ندارد. ثانیاً اگر هدف عمده و اصلی از

مجازات تعزیری و مراد از عبارت «ما یراه الحاکم» اصلاح و بازپروری نباشد، یک هدف جنبی و فرعی و البته مهم، مجازات تعزیری اصلاح و بازپذیری بزه‌کار خواهد بود و نادیده یا کم‌اهمیت‌پنداشتن این مطلب می‌تواند مجریان عدالت کیفری را به سمت ابعاد تنبیهی و حتی انتقام‌جویانه بکشاند.

کتاب‌نامه

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۱ ه.ش). «بازپروری عادلانه مجرمان». نشریه آموزه‌های حقوق کیفری. ش ۳.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه.ش). لسان العرب. بیروت: دارالفکر - دارالصادر.
۳. اکرمی، الهام. (۱۳۹۱ ه.ش). «سیاست جنایی اسلام: سازدهی یا بازپروری؟ - قسمت اول». نشریه دادرسی. ش ۹۴.
۴. آنسل، مارک. (۱۳۹۱ ه.ش). دفاع اجتماعی. ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی. چ ۴. تهران: گنج دانش.
۵. انوری، حسن. (۱۳۸۶ ه.ش). فرهنگ بزرگ سخن. چ ۴. تهران: سخن.
۶. باقری، عزیز؛ و محمدرضا مصباح. (۱۴۰۳ ه.ش). «کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی نسیم کوثر. ش ۱۴.
۷. بهمنی‌فخر، سیدصابر. (۱۳۹۹ ه.ش). «بازپروری اسلامی و عادلانه مجرمان، الزامی غیر قابل انکار». نشریه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی. ش ۲.
۸. بولک، برنار. (۱۳۸۵ ه.ش). کیفرشناسی. ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی. چ ۵. تهران: مجد.
۹. پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲ ه.ش). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله). چ ۴. تهران: [بی‌نا].
۱۰. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۶ ه.ش). «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۹. ش ۳.
۱۱. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۴۰۳ ه.ش). اصلاح مجرمان در سیاست جنایی اسلام. چ ۲. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. حسینی، سیدمحمد. (۱۳۸۳ ه.ش). سیاست جنایی در اسلام در جمهوری اسلامی ایران. چ ۱. تهران: سمت.
۱۳. داودی‌گرم‌رودی، هما. (۱۳۸۴ ه.ش). «مکتب نئوکلاسیک نوین و احیای رویکرد سزادهی». مجله حقوق و علوم سیاسی. ش ۶۸.

۱۴. داودی گرمارودی، هما. (۱۳۸۴ ه.ش). «نقد گستره دادگستری خصوصی در قانون مجازات اسلامی». ندای صادق. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران. ش ۳۹.
۱۵. رهامی، محسن. (۱۳۸۵ ه.ش). «زمینه عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران». مجله حقوق و علوم سیاسی. ش ۷۴.
۱۶. شاکری گلپایگانی، طوبی. (۱۳۸۵ ه.ش). سیاست جنایی اسلامی. چ ۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ ه.ش). نهج البلاغه (للصبحی صالح). چ ۱. قم: [بی جا].
۱۸. شریف آبادی عزیزی، فاطمه؛ امیرحسین نیازپور؛ و سید مهدی احمدی. (۱۳۹۴ ه.ش). «بازپروری عادلانه مجرمان، مبانی و جایگاه آن در حقوق ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان: دانشکده حقوق و الهیات.
۱۹. شیروانی، علی. (۱۳۸۴ ه.ش). ترجمه نهج البلاغه. چ ۴. [بی جا]: انتشارات دارالعلم.
۲۰. طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۴۰۸ ه.ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. با تعلیقات سید هاشم رسولی محلاتی. ج ۷. [بی جا]: دارالمعرفه.
۲۱. عادل، عبدالحکیم؛ و محمد علی حاجی ده آبادی. (۱۳۸۹ ه.ش). «سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر در حقوق افغانستان و اسناد بین الملل». پایان نامه کارشناسی ارشد. قم: جامعه المصطفی.
۲۲. عاشور، سیدعلی. (۱۴۲۱ ه.ش). تفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد ابن علی العسکری. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۲۳. فتحی بهنسی، احمد. (۱۹۸۳ م). العقوبه فی الفقه السلاهی. چ ۲. بیروت: دارالرائد العربی.
۲۴. قیاسی، جلال الدین. (۱۳۸۵ ه.ش). مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی. چ ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ه.ش). کافی. چ ۱. قم: دارالحديث.
۲۶. کلارکسون، سی.ام.وی. (۱۳۷۱ ه.ش). تحلیل مبانی حقوق جزا. ترجمه: حسین میرمحمد صادقی. تهران: جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۲۷. کولمن، کاوینگتن. (۱۳۷۶ ه.ش). روان شناسی ناهنجار و زندگی نوین. مترجم: کیانوش هاشمیان. چ ۱. انتشارات دانشگاه الزهرا.
۲۸. گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۶۵ ه.ش). مقالات حقوقی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ه.ش). بحار الأنوار. چ ۲. بیروت: [بی جا].
۳۰. محقق حلی، جعفر. [بی تا]. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. تهران: نشر استقلال.
۳۱. محمدی، ابراهیم. (۱۳۹۷ ه.ش). «نقش آموزه های دینی و اعتقادی در پیشگیری از جرم». دوفصلنامه علمی - اختصاصی معارف فقه علوی. س ۴. ش ۶.
۳۲. مرعشی شوشتری، سیدحسن. (۱۳۸۱ ه.ش). «اجرای علنی مجازات ها». الهیات و حقوق مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی. س ۲. ش ۴.

۳۳. مقدم، محمدجواد؛ سیدابراهیم حسینی؛ و رضا محمدی. (۱۴۰۳ هـ). «راهبردهای غیرکیفری اصلاح مجرمان از منظر حقوق اسلامی». همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین: اولین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین. ص ۵۱۹۲-۵۲۱۴.

۳۴. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹ هـ.ش). تحریرالوسیله. ج ۱. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۳۵. نجفی، محمدحسین. (۱۳۶۲ هـ.ش). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. ج ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۶. نوریان، ایوب. (۱۳۹۶ هـ.ش). «اصلاح و بازپروری بزهکاران، از مرحله تحقیق تا پی از اجرای حکم». نشریه دادرسی. ش ۱۲۳.